

بررسی جزئیات عملیات موشکی ۲۶ فروردین ایران و پدافند رژیم صهیونیستی

پرورنده
دکتر سیدرضا میوطاهر

نقاط فلج‌کننده گنبد آهنین برای موشکباران بعدی روشن شد

باتریک رایدر، سخنگوی پنتاگون در موضع‌گیری رسانه‌ای به توانمندی نظامی ایران در پاسخ نظامی علیه اسرائیل اذعان کرده است؛ اقدامی که ایران علیه اسرائیل انجام داد یک حمله بی‌سابقه و گسترده در داخل خاک ایران بود. نیروی هوافضای سپاه شامگاه شنبه و بامداد یک‌شنبه ۲۵ و ۲۶ فروردین عملیات تنبیهی «عده‌صادق» را با رمز «یا رسول‌الله(ص)» اجرا کرد و با دهها موشک و پهپاد، اهدافی را در داخل سرزمین‌های اشغالی با موفقیت مورد اصابت قرار داد. این عملیات در راستای انتقام از تل‌آویو در حمله موشکی به کنسولگری ایران در سوریه و شهادت هفت تن از

مستشاران و افسران نظامی تهران در دمشق انجام شد. به گفته ارتش رژیم صهیونیستی، در مجموع حدود ۱۷۰ پهپاد، بیش از ۳۰ موشک کروژ و بیش از ۱۲۰ موشک بالستیک از سوی ایران به سوی فلسطین‌اشغالی شلیک شد. سردار حاجی زاده، فرمانده هوافضای سپاه با اشاره به اینکه با تسلیحات حداقلی به مصاف صهیونیست‌ها رفتیم، تصریح کرد: در این مرحله از موشک‌های خرمشهر، سجلیک، شهید حاج قاسم، خبیر شکن ۲ و هایپرسونیک فتاح استفاده نکردیم. حمله ایران به رژیم صهیونیستی باعث خشم زیاد آمریکایی‌ها شد و شبکه ۱۴ تلویزیون رژیم صهیونیستی در این باره گفت: «باید اذعان کرد

بازاردنگی ایالات متحده امریکادر نتیجه حمله اخیر ایران علیه اسرائیل ضربه مهلکی خورد.» همچنین رسانه‌های رژیم صهیونیستی اعلام کردند ایران تابوی چنددهه‌ای عدم حمله از خاک ایران به فلسطین‌اشغالی را شکست، دیباگو حسیتی، کارشناس مسائل بین‌الملل درباره اهداف ایران از عملیات وعده‌صادق می‌گوید: «گر اصابت موشک‌ها و پهپادها به اهداف تعیین‌شده کوچک‌ترین اهمیتی برای ایران می‌داشت، نباید ۷۲ ساعت قبل، تصمیم به عملیات نظامی را به کشورهای اطلاع می‌داد. هدف ایران نظامی نبود، سیاسی بود؛ نمایش اراده و شهامت برای حمله مستقیم و آشکار به قلمرو اسرائیل.»

ساختر سامانه‌های پدافند موشکی رژیم صهیونیستی

طبق اعلام سازمان دفاع موشکی اسرائیل (IMDO)، گنبد آهنین پایین‌ترین لایه دفاع موشکی اسرائیل است. حداقل ۱۰ سامانه گنبد آهنین در فلسطین‌اشغالی وجود دارد که هر کدام به راداری مجهز شده است که راکت‌ها را تشخیص می‌دهد و سپس از یک سیستم فرماندهی و کنترل استفاده و به سرعت محاسبه می‌کند که آیا یک پرتابه ورودی تهدیدی ایجاد یا احتمالاً به منطقه‌ای غیرمسکونی بر خوردمی‌کند. اگر موشک تهدیدی ایجاد کند، گنبد آهنین موشک‌هایی را از زمین شلیک می‌کند تا آن را در هوا نابود کند. سطح بعدی در هرم دفاع موشکی رژیم صهیونیستی، طبق اعلام IMDO سامانه «فلاخن داوود» است که برای حفاظت در برابر تهدیدات کوتاه‌برد و میان‌برد موشکی است. «فلاخن داوود» یک پروژه مشترک بین شرکت «سامانه دفاع پیشرفته رافائل» اسرائیل و شرکت امریکایی «رتیون»، از موشک‌های رهگیر «استونر» و «اسکای‌سپتور» برای نابودی اهداف تا فاصله ۳۰۰ کیلومتری استفاده می‌کند. در رده بعدی، سامانه‌های ضد موشکی «آرو ۲» و «آرو ۳» رژیم صهیونیستی قرار دارند که به طور مشترک با امریکا توسعه یافته‌اند. «آرو ۲» از کلاهک‌های انفجاری برای نابودی موشک‌های بالستیک ورودی در فاز نهایی حرکت آنها در جو فوقانی استفاده می‌کند و دارای برد ۹۰ کیلومتری و حداکثر ارتفاع ۵۱ کیلومتری است. «آرو ۳» را می‌توان ارتفاعی از سامانه پدافند ضد هوایی و ضد موشکی پاتریوت امریکا دانست که اسرائیل زمانی در این نقش از آن استفاده می‌کرد. سامانه ضد موشکی «آرو ۳» از فناوری بر خوردم جنبشی برای رهگیری موشک‌های بالستیک ورودی در فضا، قبل از ورود مجدد آنها به جو در مسیر رسیدن به اهداف استفاده می‌کند. رژیم صهیونیستی همچنین دارای هواپیماهای جنگنده نسل پنجمی اف۳۵ی است که در جریان عملیات وعده‌صادق از آنها برای سرنگونی پهپادها و موشک‌های آروز استفاده کرد.

کمک‌های گسترده

تکده مهم در زمینه عملیات تنبیهی وعده‌صادق کمک‌های گسترده امریکا، انگلیس و فرانسه در کنار برخی کشورهای منطقه به رژیم صهیونیستی برای مقابله با پهپادها و موشک‌های کروژ و بالستیک ایرانی است. یک منبع امریکایی اذعان کرد: ۶۰ کشور به اسرائیل برای رهگیری پهپادها و موشک‌های ایرانی کمک کردند. در واقع ایران در جریان این عملیات علیه رژیم صهیونیستی با ناتو و اسرائیل و متحدان منطقه‌ای آنها مقابله کرد. امریکا به عنوان مهم‌ترین عضو ناتو از همه تجهیزات پدافند هوایی و ضد موشکی خود برای کمک به رهگیری و انهدام پهپادها و موشک‌های پرتاب‌شده از سوی ایران استفاده کرد. از جمله تجهیزات مهم در این زمینه رادارهای تجسیسی AN/TPY-2 است که یک سامانه راداری زمین‌پایه است که در کشورهای قطر، ترکیه و نیز در فلسطین‌اشغالی مستقر شده و کار ویژه آن کشف موشک‌های بالستیک و هشدار درباره پرتاب آنها به سامانه‌های ضد موشکی برای رهگیری آنهاست. رادار AN/TPY-2 یک رادار آرایه فازی باند ایکس است که از ۷۲ ماژول فرستنده و گیرنده با بیش از ۲۵ هزار آرایه بر خوردار است و می‌تواند در فاصله هزار کیلومتری انواع اهداف هوایی را شناسایی کند. این رادار که اصلی‌ترین حساسه سامانه پدافندی تاد امریکایی است، بزرگ‌ترین رادار جهان است که قابلیت جای‌جایی اجزای آن وجود دارد.

به رغم کمک‌های گسترده امریکا و متحدان غربی و برخی کشورهای منطقه به رژیم صهیونیستی برای رهگیری پهپادها و موشک‌های کروژ و بالستیک کنار استفاده کامل این رژیم از همه امکانات پدافند هوایی و ضد موشکی خود، در عمل شمار قابل توجهی از موشک‌های ایرانی به اهداف خود در فلسطین‌اشغالی بر خوردم کردند. اسکات ریتز، تحلیلگر نظامی مشهور امریکایی در رابطه با شکست پیشرفته‌ترین رادار جهان در برابر موشک‌های ایران با اشاره به اینکه ایالات متحده یک رادار پیشرفته AN/TPY-2 مستقر در صحرای نقب دارد، تصریح کرد: بهترین سامانه دفاع موشکی جهان نتوانست از سایت‌هایی که وظیفه حفاظت از آنها را در برابر حملات موشک‌های ایران بر عهده داشتند، محافظت کند.

سامانه‌های ضد موشکی «آرو ۲» و «آرو ۳» رژیم صهیونیستی به طور مشترک با امریکا توسعه یافته‌اند. «آرو ۲» از کلاهک‌های انفجاری برای نابودی موشک‌های بالستیک ورودی در فاز نهایی حرکت آنها در جو فوقانی استفاده می‌کند و دارای برد ۹۰ کیلومتری و حداکثر ارتفاع ۵۱ کیلومتری است. «آرو ۳» را می‌توان ارتفاعی از سامانه پدافند ضد هوایی و ضد موشکی پاتریوت امریکا دانست که اسرائیل زمانی در این نقش از آن استفاده می‌کرد. سامانه ضد موشکی «آرو ۳» از فناوری بر خوردم جنبشی برای رهگیری موشک‌های بالستیک ورودی در فضا، قبل از ورود مجدد آنها به جو در مسیر رسیدن به اهداف استفاده می‌کند

خسارات رژیم صهیونیستی

با وجود ادعای نابودی ۹۹ درصد از پهپادها و موشک‌های کروژ و بالستیک شلیک‌شده ایران از سوی رژیم صهیونیستی و متحدان آن، اما واقعیت جز این است. روزنامه صهیونیستی معاریو در گزارشی درباره خسارات حمله موشکی ایران نوشت: از تجزیه و تحلیل ویدئویی به نظر می‌رسد حداقل چهار موشک به پایگاه نواتیم اصابت کرده است. بر اساس تحلیل‌ها، همچنین احتمالاً پنج موشک به پایگاه رامون اصابت کرده است. در مورد راکتور اتمی در دیمونا، با توجه به تجزیه و تحلیل تصاویر ماهواره‌ای، به نظر می‌رسد حداقل یک موشک به یکی از ساختمان‌های راکتور اتمی و دو موشک به اطراف پایگاه اصابت کرده است. همچنین بر اساس تصاویر، یک پهپاد به پایگاه حرمون اصابت کرده است. به نظر می‌رسد میزان رهگیری موشک‌ها حدود ۸۴ درصد است، نه انطور که سخنگوی نیروهای رژیم اسرائیل دیوانه‌وار مطرح می‌کند.

نتایج عملیات برای ایران

عملیات وعده‌صادق نتایج چشمگیر نظامی را برای ایران به همراه داشته است. نفوذ موشک‌های ایرانی و اصابت آنها به اهداف، خود نشان‌دهنده وجود ضعف‌های جدی در سامانه‌های پدافند موشکی رژیم صهیونیستی است که در حملات احتمالی بعدی ایران می‌تواند از این نقاط ضعف برای وارد آوردن خسارات جدی به رژیم صهیونیستی استفاده کند. در واقع سامانه‌های پدافند ضد موشکی چندلایه اسرائیل نشان داده است قادر به دفاع از فلسطین‌اشغالی در برابر رگبارهای راکتی و موشکی محدود(مثلا راکت‌های پرتاب‌شده از غزه یا جنبش حزب‌الله) و حجم کمی از پهپادها و موشک‌هاست، اما به طور بالقوه می‌تواند در صورت یک حمله بزرگ پهپادی یا حملات گسترده موشکی اشباع و فلج شود. اذعان سخنگوی پنتاگون به توانمندی نظامی ایران در پاسخ به رژیم صهیونیستی و انجام‌دادن حمله‌ای گسترده و بی‌سابقه از داخل خاک ایران به فلسطین‌اشغالی با وجود اطلاع قبلی متحدان منطقه‌ای امریکا از این حمله ۷۲ ساعت قبل از آغاز آن که طبیعتاً به اطلاع واشینگتن هم رسیده است، نشان می‌دهد ایران قادر است با وجود همه آمادگی‌های نظامی اسرائیل، امریکا و متحدان منطقه‌ای و اروپایی آن ضربات کوبنده‌ای را به دشمن صهیونیستی وارد کند.

اسکات ریتز، تحلیلگر نظامی معتقد است: آنچه ایران در حمله شنبه و یکشنبه به اهداف رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی انجام داد، احیای قدرت بازدارندگی این کشور بود. او عملیات تنبیهی «عده‌صادق» را بسیار موفقیت‌آمیز ارزیابی کرد و با اشاره به تثبیت قدرت بازدارندگی ایران اظهار کرد: «می‌توان گفت که این عملیات نه تنها برای ایران، بلکه برای تمام جهان بسیار موفقیت‌آمیز بوده است، زیرا بازار دزدنگی ایران اکنون واقعیتی است که می‌تواند امریکا و اسرائیل را کنترل کند.» به نظر می‌رسد با اجرای عملیات تنبیهی وعده‌صادق از سوی ایران، رژیم صهیونیستی شاهد فروپاشی کامل بنیان‌های دکترین دفاعی - امنیتی چندین دهه‌ای خود شد که مبتنی بر سه اصل بازدارندگی استراتژیک، هشدار استراتژیک و غلبه قاطع بود.

کی‌ی برداری سازمان ملل از طرح ایران

در روزهایی که کاظمی قمی به تازگی طرح ایجاد گروه تماس منطقه‌ای را دنبال می‌کرد، سفر فریدون سینرلی اوغلو، هماهنگ‌کننده ویژه دبیر کل سازمان ملل به تهران و مذاکراتی که انجام داد، جرقه نقشه راه جدیدی را در ذهن او برای آینده افغانستان زد. کاظمی قمی در دیدار با این فرستاده جدید دبیر کل سازمان ملل، از طرح خود برای ایجاد گروه تماس منطقه‌ای با افغانستان تحت کنترل طالبان سخن گفت و بعد از آن بود که ادبیات جدیدی در صحبت‌ها موضوع گیری‌های او پدیدار شد؛ ایجاد گروه تماس بین‌المللی با طالبان و تعیین فرستاده ویژه‌ا سوی سازمان ملل در رأس این گروه. به این ترتیب، عملاً طرح جدید سینرلی اوغلو که بعد از سوی شورای امنیت سازمان ملل و در یک قطعنامه به عنوان نقشه راه افغانستان مورد تأیید قرار گرفت، در برابر طرح کاظمی قمی وارد میدان شد، البته با دیپلماسی‌ای که ایران در این مورد روی دست گرفت و تلاش‌هایی که انجام شد و همچنین مخالفت‌هایی که از سوی چین و روسیه و همچنین طالبان با این نقشه راه صورت گرفت، به خصوص عدم شرکت طالبان در دومین نشست نمایندگان ویژه کشورها از سوی سازمان ملل در دوحه، تاکنون این نقشه راه ناکام و ناتمام مانده است. نکته کوتاه اینکه پاکستان به دلیل تنش‌هایی که با کابل داشت و همچنین مواضع این کشور، در این ابتکار جدید همراهی و همسویی لازم را با ایران نداشت و نماینده ویژه آن در نشست کابل شرکت نکرد، در حالی که حضور بررتگی در نشست دوحه داشت.

پاکستان توقع داشت در گرم‌گرم تنش‌ها با طالبان در افغانستان، ایران هم که درگیر برخی تنش‌ها به خصوص بر سر مسائل مرزی و حقله بود، در کنار این کشور و متحدان آن علیه طالبان موضع‌گیری کند، اما ایران با ابتکار جدید خود، در تعامل جدی‌تر و نزدیک‌تر با طالبان وارد میدان شد.



تحولات افغانستان گرفته شود و این بار جدی‌تر از قبل، منطقه در برابر بلندپروازی‌های امریکا برای حضور در افغانستان و استفاده از این کشور به عنوان یک تخته خیز بردارد و اساساً با تعامل جدی و نزدیک با طالبان، نشان‌دادن ماهیت واقعی امریکا، آنها را از برقراری ارتباط با امریکا که همچنان سیاست «چمچاق و هویج» را در مورد طالبان دنبال می‌کند، برحذر دارد. ۲- با توجه به بی‌اعتمادی زیاد به نیت و سیاست‌های امریکا در منطقه افغانستان و از سوی دیگر، سازمان ملل و شورای امنیت نیز کساکان فاقد تأثیرگذاری جدی و مؤثر در مورد بحران‌های مهم جهان، از جمله مسئله افغانستان است، به طوری که این سازمان همچنان تحت تأثیر امریکا عمل می‌کند، این بار قدرت‌های منطقه می‌توانند با یک ابتکار جدید و مذاکره با طالبان، بن‌بست سیاسی موجود در افغانستان را بشکنند و همه طرف‌ها به یک نتیجه مثبت گام‌به‌گام و برد-برد برای حل دائمی این معضل دست یابند؛ کلیدواژه‌ای که طالبان نیز از آن استقبال و در ادبیات خود استفاده کردند.

وجود یباید تا عملاً به دو هدف برسد: ۱- با توجه به برخی تمایلات در درون طالبان برای عادی‌سازی روابط با امریکا و غرب، زمینه هرگونه حضور مخرب و دوباره و دمسسه‌چینی جدید امریکا در حوزه

گروه تماس منطقه‌ای نشست کابل ابتکار ایرانی که به محاق رفت

دیگر کشورهای همسایه بر گزار شد و نشست پنجم قرار است در سال جاری در چین برگزار شود، اما این ابتکار بیشتر به محل بیان مواضع کشورها پرداخته تا اینکه یک طرح سیاسی جدید فراراه افغانستان بگذارد.

■ **ابتکار گروه تماس منطقه‌ای چه طرحی است؟** ایران در نشست هفتم مهر ماه ۱۴۰۲ «قرمت مسکودر مورد افغانستان» را در شهر کازان روسیه مطرح کرد که نیز به آن اشاره شد، اما آن طور که باید، در اولویت کار دیگر قدرت‌ها قرار نگرفت تا اینکه با تلاش‌های حسن کاظمی قمی و رایزنی‌های او با هم‌تایان خود در سه کشور دیگر، به خصوص مذاکره با وزارت امور خارجه طالبان، زمینه برگزاری اولین نشست گروه تماس منطقه‌ای (۹ بهمن) را به میزبانی کابل فراهم کند. قبل از این، ۱۳ آبان شاهد سفر یک هفته‌ای هیئت اقتصادی طالبان به رهبری ملا برادر، معاون اقتصادی نخست‌وزیر به ایران و بعد از آن، مولوی امیرخان متقی، سرپرست وزارت طالبان اول دی ماه برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی فلسطین به تهران بودیم. با توجه به نقش مخرب امریکا و همپیمانانش در طول ۲۰ سال اشغال افغانستان و بدتر از آن، خروج غیرمسئولانه از آن که عامل اصلی بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی افغانستان به حساب می‌رود، ایران بر این باور است که راه‌حل این کشور، یک راه‌حل منطقه‌ای است، به همین دلیل باید هماهنگی‌های بهتر و بیشتری در سطح قدرت‌های مهم منطقه در مورد افغانستان به

رویکرد دیب‌الله کابلی

سیاست خارجی و دیپلماسی در مورد افغانستان باشد. در عین حال شاید توأم با برخی دستاوردها در حوزه پایان سال، به خصوص به دنبال تلاش‌های حسن کاظمی قمی، نماینده ویژه ریاست جمهوری ایران در امور افغانستان و دیگر چهره‌های مؤثر در این حوزه، به خصوص مرتضوی، معاون سفارت ایران در کابل، عملاً ایران به فعال‌ترین کشور در افغانستان تبدیل شد و توانست در دو بعد اقتصاد و تجارت و دیپلماسی موفقیت‌هایی کسب کند؛ البته این موفقیت‌ها بیشتر به نفع طالبان بوده و آنها نیز در حالی که درگیر تنش‌های کشیدنی با پاکستان بودند، کوشیدند از انزوای امان‌امیران نیز می‌توانست به گونه‌ای از فرصت‌ها بهره‌جوید که ابتکار عمل‌های زودتر و بیشتر به ثمر بنشیند.

ابتکار تشکیل گروه تماس منطقه‌ای ایران برای برقراری ارتباط بهتر، منسجم‌تر و هماهنگ‌تر چهار قدرت منطقه (ایران، پاکستان، روسیه و چین) در مورد تحولات افغانستان و پروسه سیاسی در این کشور، طرح مهمی است که به نظر می‌رسد پس از برگزاری اولین نشست آن در کابل، چندان مورد پیگیری قرار نگرفته و از اولویت افتاده است.

وزارت امور خارجه ایران به دنبال تحولات افغانستان در سال ۱۴۰۰، ابتکار نشست وزرای امور خارجه کشورهای منطقه را اجرایی کرد که نشست اول آن در اسلام‌آباد و نشست دوم در تهران برگزار شد. دو نشست دیگر نیز در

سر نوشت ابتکار چه شد؟

پس از زحمات و تلاش‌هایی که برای ایجاد گروه تماس منطقه‌ای از سوی ایران کشیده شد، عملاً پس از برگزاری اولین نشست این گروه در ۹ بهمن در کابل، شاهد هیچ تحرک جدید دیگری در محور پیشبرد این ابتکار نیستیم، در حالی که تداوم این ابتکار برای رسیدن به یک نتیجه برد-برد برای همه طرف‌ها، می‌تواند بن‌بست سیاسی موجود در افغانستان به خصوص در مسائلی مانند تشکیل دولت فراگیر و مسائل حقوق بشری، به خصوص حق آموزش و کار دختران و بانوان را با در نظر داشتن دیدگاه طالبان از بین ببرد.

این بی‌تحرکی می‌تواند ناشی از بحران جدید منطقه به دنبال آغاز عملیات طوفان الاقصی از سوی حماس و جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و اعمال فشار چندبرابری بر دستگاه دیپلماسی ایران باشد که در نتیجه آن، تمام ظرفیت‌های وزارت امور خارجه ایران معطوف به این شده، اما این مشغله، تأثیری بر عملکرد مأموریت تعریف‌شده دفتر نمایندگی ویژه در امور افغانستان نداشته و ندارد، از این رو توقع می‌رفت و می‌رود که ابتکار گروه تماس منطقه‌ای با جدیت مورد پیگیری قرار گیرد تا بتواند زمینه‌ساز ثبات دائمی در افغانستان شود. نکته مهم این است که گروه تماس منطقه‌ای با تعاطف‌پذیری و ارائه طرح‌های جدید، در راستای به نتیجه رسیدن مذاکرات با طالبان، باید از پافشاری روی طرح‌های کلیشه‌های گذشته، مثل کلیت گنگ و مهمی به نام «دولت فراگیر» خودداری کند و بتواند با تعریف ادبیات جدید، مذاکرات متفاوتی را نسبت به قبل دنبال کند.

در شرایطی که شاهد سفر رئیس ایران به پاکستان هستیم، وزارت امور خارجه دفتر نمایندگی ویژه در امور افغانستان می‌تواند بیش از پیش در راستای همسو و همگام‌شدن با پاکستان در ابتکار گروه تماس منطقه‌ای با افغانستان تحت کنترل طالبان گام بردارد و این کشور برای گام برداشتن در این مسیر تشویق شود.